

تبیین جامعه‌شناختی رابطه امید سیاسی و بی‌تفاوتی اجتماعی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شیراز)

جهانگیر جهانگیری^۱

نسرین محمدی^۲

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۰/۱۰

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۳/۱۴

چکیده

در مطالعات جامعه‌شناختی اخیر، بی‌تفاوتی اجتماعی از مهم‌ترین مسائل جوامع جدید است و در این پژوهش به بررسی بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان در ارتباط با امید سیاسی پرداخته می‌شود؛ زیرا این امید یکی از عناصر مهم هر جامعه‌ای به‌شمار می‌رود. در این مطالعه از نظریه انتخاب عقلانی به‌عنوان چهارچوب نظری استفاده شده، روش این پژوهش نیز پیمایش است و با استفاده از ابراز پرسشنامه در میان نمونه ۴۰۰ نفری از دانشجویان دانشگاه شیراز صورت گرفته که روش نمونه‌گیری آن طبقه‌ای بوده است. نتایج پژوهش بیان می‌کند که بی‌تفاوتی اجتماعی ۴۰/۵ درصد از دانشجویان در سطح متوسط روبه‌بالا، ۲۷ درصد بالا، ۱۹ درصد متوسط روبه‌پایین و تنها ۱۳ درصد از دانشجویان، بی‌تفاوتی اجتماعی‌شان در سطح کمی بوده است، همچنین در نتیجه آزمون همبستگی پیرسون رابطه امید سیاسی و مؤلفه‌های آن (اعتقاد به دریافت مطلوبی از حقوق شهروندی، اعتقاد به مشروعیت حکومت، باور به امکان مشارکت مؤثر سیاسی - اجتماعی، خوش‌بینی به سیاست‌گذاری‌ها) با بی‌تفاوتی اجتماعی تأیید شد. نتایج تحلیل چندمتغیره رگرسیونی به روش گام‌به‌گام نیز بیان‌کننده آن بود که از میان مؤلفه‌های امید سیاسی، اعتقاد به دریافت مطلوب حقوق شهروندی، اعتقاد به مشروعیت حکومت و خوش‌بینی به سیاست‌گذاری‌های، در مجموع ۰/۱۵ درصد تغییرات بی‌تفاوتی اجتماعی را تبیین می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: اعتقاد به مشروعیت حکومت، اعتقاد به کارایی نهادهای سیاسی، امید سیاسی، بی‌تفاوتی اجتماعی، خوش‌بینی به سیاست‌گذاری‌ها.

۱. دانشیار بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)، jjhangiri@gmail.com

۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز، Nava15.mohammadi@gmail.com

مقدمه

امروزه در تمام جوامعی که دوران مدرنیته را پشت سر گذاشته‌اند یا در حال تجربه آن هستند، پیامدهای منفی فردگرایی مانند بی‌تفاوتی اجتماعی، سبب نگرانی‌های بسیاری شده است (معیدفر و خسروشاهی، ۱۳۸۶: ۳۲). بی‌تفاوتی اجتماعی را مقابل نوع دوستی و تعلق‌نداشتن به حیات اجتماعی تعریف کرده‌اند (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۶).

از منظر آسیب‌شناختی و دیدگاهی جامعه‌شناختی باید گفت وجود جمعیتی بی‌تفاوت تهدیدی جدی برای جامعه است؛ زیرا اساس هر نظم اجتماعی را عاطفه و تفاوت‌مندی تشکیل می‌دهد که ریشه آن در وابستگی و ارتباط عاطفی با جمع نهفته است (محسنی تبریزی و صداقتی فرد، ۱۳۹۰: ۲)؛ به عبارت دیگر فردی که به جامعه به‌طور عام و نظام سیاسی اجتماعی به‌طور خاص احساس خصومت می‌کند یا دل‌سرد و بی‌اعتنا می‌شود ممکن است از مشارکت اجتماعی کناره‌گیری کند و به صف افرادی کاملاً بی‌تفاوت بپیوندد که این مسئله ساختار اجتماعی را با شکنندگی روبه‌رو می‌کند (راش^۱، ۱۳۸۱: ۱-۵)؛ بنابراین، بی‌تفاوتی اجتماعی که نتیجه افول روحیه جمع‌گرایی و رشد نوعی فردگرایی فایده‌گرایانه است که اختلال در انسجام و نظم اخلاقی جامعه را به دنبال خواهد داشت؛ در این باره حتی کسانی مانند دورکیم، در صورتی از فردگرایی جامعه مدرن دفاع کرده‌اند که در چهارچوبی اخلاقی و اجتماعی قرار بگیرد (سیدمن^۲، ۱۳۸۶: ۵۵-۷۰). با توجهی بیشتر می‌توان گفت بی‌تفاوتی اجتماعی از جمله مهم‌ترین موانع توسعه پایدار است؛ یعنی وجود یک جمعیت آگاه به منافع ملی، جامعه‌گرا و در نتیجه دارای روحیه بالایی از مشارکت که برای مثال در زمینه زیست‌محیطی، سیاسی و... از جمله معیارهای مهم توسعه پایدار است (ازکیا و غفاری، ۱۳۹۴، عنبری، ۱۳۹۳)؛ بنابراین بررسی گستره و جست‌وجوی علل مؤثر بر بی‌تفاوتی، بایسته تحقیق جامعه‌شناختی و هدف پژوهش حاضر است.

دنیای اجتماعی که متشکل از افراد بشری است، سرشار از عواطفی چون ترس، تنفر، اشتیاق، شادی، غم و... است که بی‌تردید نقش مهمی در زندگی اجتماعی دارد (روحانی و

1. Rush
2. Seidman

انبارلو، ۱۳۹۵: ۶۲۱)، در این میان عواطف آینده‌محوری چون امید به‌طور عام و امید سیاسی به‌طور خاص از جمله موضوعات مهم و شایان توجه محققان حوزه علوم اجتماعی است؛ زیرا سلامت و پویایی جامعه تا حد زیادی به امیدواری میان طیف وسیعی از اعضای آن بستگی دارد. زتومکا^۱ امید و امیدواری به آینده را از خلیقات اجتماعی افراد می‌داند که در ایجاد فرهنگ اعتماد در جامعه دخیل است (زتومکا، ۱۳۸۴: ۱۴۲-۱۴۷).

مفهوم امید را به‌طور عمومی متعلق به حوزه روانشناسی دانسته‌اند که معنای آن به‌تریابی آینده یا انتظار مثبت برای رسیدن به اهداف مورد نظر است (اسنایدر^۲، ۱۹۹۹: ۱۶). از دیدگاه اجتماعی تصور امکان پیشرفت، ترقی و بهبودخواهی در میان اعضای هر جامعه‌ای تا حد زیادی بیانگر نگرش آنان در مورد ظرفیت‌ها و قابلیت‌های آن جامعه است (آپادورای^۳، ۲۰۰۴ به نقل از والتون^۴ و وچایندر^۵، ۲۰۰۴) که می‌توان آن را ذیل مفهوم امید و بسط آن دانست. چنانچه خوش‌بینی به آینده نتیجه باور به وجود امکانات و ظرفیت‌های مطلوب پیشرفت در بخش سیاسی جامعه باشد، می‌توان از گونه‌ای امید سیاسی سخن گفت؛ یعنی چنانچه افراد در نتیجه باور به وجود آزادی بیان، آزادی عقاید، نهادهای سیاسی کارا و... به آینده زیستن در جامعه و پیشرفت آن خوشبین باشند، امید سیاسی دارند، در غیر این صورت مثلاً اعتقاد به فساد نخبگان سیاسی، نداشتن آزادی بیان، عقاید و... دچار یأس می‌شوند. امید سیاسی محرک اراده مشارکت اجتماعی-سیاسی و پیوستگی افراد به جامعه است، در مقابل آن یأس سیاسی قرار دارد که از جمله عوامل مؤثر بر جدایی فرد از جامعه خویش و بی‌تفاوتی اجتماعی است؛ بنابراین بررسی و پژوهش پیرامون آن شایسته توجه محققان حوزه جامعه‌شناسی است.

نگارندگان پژوهش حاضر به بررسی امید سیاسی پرداختند؛ زیرا نبود پژوهشی درباره آن از دیدگاه جامعه‌شناختی به‌طور عام و امید سیاسی از دیدگاه جامعه‌شناسی سیاسی به‌طور خاص، همچنین بسط نداشتن مفهومی آن بدین حوزه، موجب به‌کارگیری این واژه به گونه‌ای غیردقیق و نه‌چندان صحیح در ادبیات بسیاری از نخبگان (فرهنگی، سیاسی و...) به‌عنوان ابزاری

1. Szetomka
2. Snyder
3. Apadorai
4. Walton
5. Vijayendra

تبلیغاتی یا بعضاً سیاسی برای تعامل موفق با ملت استفاده شده بدون آنکه فضای مفهومی آن به گونه‌ای دقیق روشن شده باشد، این مسئله نه تنها گویای اهمیت امید در جامعه است، بلکه لزوم طرح و بررسی آن را از دیدگاه جامعه‌شناسی آشکار می‌کند؛ زیرا بی‌تردید آگاهی نادرست نخبگان از این مقوله، به سیاست‌گذاری نامناسب آنان در این باره منجر می‌شود، بر این مبنای نوع جهت‌گیری‌های ملت به نظام سیاسی-اجتماعی تأثیرگذار و یکی از پیامدهای منفی آن بیگانگی و در نتیجه بی‌تفاوتی اجتماعی است. از آنجا که دانشجویان از مهم‌ترین کنشگران صحنه اجتماعی-سیاسی در مهم‌ترین وقایع کشور در دهه‌های اخیر بوده‌اند، بررسی میزان بی‌تفاوتی اجتماعی در میان آن‌ها و واکاوی علت‌های مؤثر بر آن، هدف اصلی این پژوهش به‌شمار می‌رود که در این میان امید سیاسی مدنظر است؛ از این رو پژوهش حاضر درصدد پاسخ به پرسش‌های زیر است:

۱. میزان بی‌تفاوتی اجتماعی در میان دانشجویان دانشگاه شیراز چقدر است؟
۲. امید سیاسی دانشجویان دانشگاه شیراز چه میزان است؟ آیا بین میزان امید سیاسی و بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان این دانشگاه شیراز رابطه‌ای وجود دارد؟

پیشینه داخلی و خارجی پژوهش

پیشینه داخلی: نواح و همکاران (۱۳۹۳) پژوهشی را با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر بی‌تفاوتی اجتماعی (مورد مطالعه: جوانان ۱۸ سال به بالای شهر دزفول)» انجام داده‌اند. اهداف این پژوهش، بررسی میزان شیوع و عوامل مؤثر بر بی‌تفاوتی اجتماعی و سنجش همبستگی آن با متغیرهای زمینه‌ای سن و جنس و ده متغیر مستقل، به‌منظور تعیین میزان اثرگذاری هر یک از آن‌ها بر بی‌تفاوتی اجتماعی است. با توجه به یافته‌ها بین متغیرهای مستقل پایگاه اجتماعی-اقتصادی، احساس از خودبیگانگی، همدلی، عزت نفس، رضایت از زندگی، احساس امنیت، احساس محرومیت نسبی، فردگرایی، همبستگی اجتماعی و سرمایه اجتماعی همبستگی معناداری با بی‌تفاوتی اجتماعی وجود دارد. با توجه به نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره مشخص شد که ۳۰ درصد از تغییرات بی‌تفاوتی اجتماعی در میان شهروندان دزفولی به ترتیب

با چهار متغیر سرمایه اجتماعی، احساس همدلی، احساس ازخودبیگانگی، و پایگاه اجتماعی - اقتصادی، تبیین می‌شود.

محسنی تبریزی و صداقتی فرد (۱۳۹۰)، در «پژوهشی درباره بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران (مورد پژوهش: شهروندان تهرانی)» به بررسی چگونگی پدیده یادشده در جامعه آماری پرداختند. این پژوهش که با روش پیمایش و بر روی یک نمونه ۸۵۰ نفری صورت گرفت، نشان داد که بی‌تفاوتی اجتماعی شهروندان در سطح متوسط روبه‌بالایی قرار دارد و میان متغیرهای بی‌هنجاری، اعتماد اجتماعی، اثربخشی اجتماعی، رضایت اجتماعی، محرومیت نسبی، فردگرایی، تحلیل هزینه-پاداش و التزام مدنی با بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه معناداری است.

افشانی و جعفری (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و امید به آینده در میان دانشجویان دانشگاه یزد» با روش پیمایش و به‌صورت مقطعی با هدف بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی با امید به آینده پرداخته و دریافتند که بین امید به آینده زنان و مردان، همچنین بین امید به آینده برحسب متغیرهای رشته تحصیلی و مقطع تحصیلی تفاوت معناداری دیده نمی‌شود، اما بین سرمایه اجتماعی و امید به آینده در دانشجویان رابطه مستقیم معناداری وجود دارد. همچنین بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و امید به آینده می‌توان رابطه مثبت و معناداری مشاهده کرد.

پیشینه خارجی: المیزجایی^۱ (۲۰۰۱)، پژوهشی با عنوان «تفاوتی عمومی نسبت به بوروکراسی به‌عنوان یک محدودیت در رشد عربستان سعودی» انجام داده که تمرکز آن بر رابطه بین بوروکراسی و شهروندان در عربستان سعودی به‌طور خاص، و پرداختن به موضوع بی‌تفاوتی به‌عنوان محدودیتی در برنامه‌های توسعه است. این مطالعه در جده و بر روی یک نمونه ۸۰۰ نفری صورت گرفت که در پایان یافته‌های پژوهش بی‌تفاوتی عمومی را در میان شهروندان عربستانی تأیید کرد.

چن و زانگ^۲ (۱۹۹۹) در پژوهشی با عنوان «بی‌تفاوتی سیاسی در میان مردم شهر پکن» به بررسی میزان بی‌تفاوتی سیاسی مردم این شهر و عوامل مؤثر پرداختند؛ بنابراین اثر متغیرهای

1. Al. Mizjaji

2. Chen, J and Zhong

زمینه‌ای و متغیرهای رضایت اجتماعی، احساس اثربخشی، موقعیت اجتماعی-شغلی و وابستگی حزبی-سیاسی به‌عنوان دیگر متغیرهای مستقل بر بی‌تفاوتی سیاسی بررسی شدند که یافته‌های آن‌ها بیانگر وجود رابطه میان این متغیرها و بی‌تفاوتی سیاسی بود. آن‌ها بی‌تفاوتی سیاسی را با شاخص‌هایی مانند میزان علاقه به مباحث سیاسی، توجه کردن به مسائل ملی و تمرکز و توجه به مسائل شهری سنجیده‌اند.

در میان تمام پژوهش‌هایی که نگارندگان پژوهش حاضر با آن مواجه شده‌اند، هیچ‌گونه پژوهشی مرتبط با امید سیاسی یافت نشد زیرا تحقیق درباره امید سیاسی برای اولین بار از اهداف اصلی این مطالعه بوده است.

مبانی مفهومی و نظری

تعریف مفاهیم

امید: به دلیل نبود تعریفی از امید در جامعه‌شناسی سعی بر آن شده است تا با تکیه بر تعاریف آن در علوم مرتبط با جامعه‌شناسی، این مفهوم به جنبه‌ای اجتماعی بسط یابد و سرانجام بر این اساس به تعریف امید سیاسی منجر شود. پرکاربردترین تعریف امید در روانشناسی از نظریه اسنادیر گرفته شده است که در آن امید یعنی انتظار مثبت برای دستیابی به اهداف مورد نظر، که این انتظار مثبت دو مؤلفه دارد: تفکر عامل و تفکر گذرگاه (اسنادیر، ۲۰۰۶: ۱۵-۱۷). تفکر عامل یعنی افکاری که افراد درباره توانایی‌ها و قابلیت‌هایشان برای عبور از مسیرهای برگزیده‌شان تعریف کرده‌اند. تفکر گذرگاه نیز به معنی ظرفیت‌های فرد برای تولید کانال‌هایی است که با آن به اهداف مطلوب خویش می‌رسد (اسنادیر، ۱۹۹۹: ۲۰)؛ بنابراین از دیدگاه روان‌شناختی امید را بهتریابی آینده و انتظار مثبت، و ناامیدی را افسردگی، آرزوی مرگ و تحمل وضعیتی دانسته‌اند که نمی‌توان بر آن فائق شد (اسنادیر، ۲۰۰۰).

در حوزه فلسفه غالباً در مورد امید رویکردی اتوپایی وجود دارد که جنبه‌ای متافیزیکی می‌یابد، با این حال به تازگی ریچارد رورتی^۱ در کتاب فلسفه و امید اجتماعی تعریفی از امید اجتماعی مطرح کرده که بیانگر توجه به جنبه اجتماعی و این جهانی امید است. او تعبیری

تاریخی از امید دارد و امید اجتماعی را باور مثبت یک ملت به تحقق آینده بهتر می‌داند که می‌توان آن را از روایت‌ها و سناریوهایی روزمره‌ای دریافت کرد که آنان از آینده‌شان دارند، بدین معنی روایت‌های خوش‌بینانه آن‌ها به آینده بیانگر امید است، از این جهت رویکرد او در این باره عملگرایانه است (رورتی، ۱۹۹۶: ۲۰۱-۲۲۹).

آنچه درباره امید در تعاریف روان‌شناختی و پس از آن فلسفی، به‌عنوان وجوه مشترک این تعاریف درک می‌شود، انتظار مثبت به‌عنوان یک جهت‌گیری خوش‌بینانه به آینده با تکیه بر ظرفیت‌های موجود است، با این تفاوت که منشأ این خوش‌بینی در روانشناسی باور به وجود ظرفیت‌های فردی است، اما در دیدگاه‌های فلسفی منشأ آن قانع‌کننده بودن روایت‌های این جهانی به اعضای یک ملت است که آیا بدان باور داشته‌اند یا خیر؛ از این رو می‌توان ظرفیت‌های موجود در دیدگاه رورتی را قدرت اقتناعی دانست که سناریوهای مکاتبی همچون مارکسیست، کمونیست و... را درمورد بهبود آینده ارائه می‌دهند؛ یعنی امید با خوش‌بینی افراد به قابلیت طرح‌های ارائه‌شده برای بهبود آینده شکل می‌گیرد.

اگرچه در جامعه‌شناسی درباره امید به‌گونه‌ای مستقیم نظریه‌پردازی، و تعریف رسمی و پذیرفته‌ای ارائه نشده است، بی‌تردید نقش مهمی در زندگی اجتماعی دارد و حتی می‌توان رد آن را در سناریوهای اتوپی مارکس^۱، جامعه‌شناسان دین مانند آنری دروش^۲ یا به‌عنوان محصول همبستگی فرد با وجدان جمعی در نظریه دورکیم^۳ دنبال کرد (شریعتی، ۱۳۸۷: ۱۸۳-۱۶۸). به‌تازگی نیز مباحثی دال بر توجه محققان و جامعه‌شناسان به این مفهوم بیان شده، با این حال تاکنون از هیچ‌کدام از نظریه‌پردازان علوم اجتماعی درباره آن تعریفی رسمی یا دیدگاهی ارائه نشده است.

در این پژوهش بسط امید به جنبه اجتماعی و پس از آن طرح و ارائه تعریف مفهوم امید سیاسی، براساس دیدگاه آرجون آپادورای در مورد ظرفیت آرزومندی، فرهنگ و شرایط شناسایی انجام شده است؛ زیرا نزدیک‌ترین رویکرد را برای بسط مفهوم امید به جنبه تعریف امید از دیدگاه جامعه‌شناسی به‌طور عام و جامعه‌شناسی سیاسی به‌طور خاص دارد.

1. Marx
2. Deroches
3. Durkheim

آپادورای در رویکردی متفاوت به فرهنگ به بعد کمتر دیده شده آن توجه می‌کند: جهت‌گیری به آینده. او معتقد است فرهنگ علاوه بر ابعاد گذشته‌محوری همچون میراث، سنت و عادت‌ها، ابعاد آینده‌محوری نیز دارد که در بحث توسعه و همراه با مفاهیمی همچون طرح، برنامه‌ریزی و امید مطرح می‌شود. از نظر آپادورای زمانی که ارزش‌ها، هنجارها و باورها هسته مرکزی فرهنگ باشند، طرح‌های ویژه متعددی برای زندگی اجتماعی از پیامدهای آن‌ها درک می‌شود. در دیدگاه او تصور پیشرفت (ظرفیت آرزومندی) در میان اعضای جامعه، به شرایطی وابسته است که افراد بتوانند اظهار وجود و پیشرفت (شرایط شناسایی) کنند. به تعبیر آپادورای زمانی که شرایط شناسایی به وجود می‌آید ظرفیت آرزومندی ارتقا می‌یابد، شرایط شناسایی یعنی وضعیتی که گروه‌های مختلف خواسته‌ها، هویت و موقعیت اجتماعی‌شان و... به رسمیت شناخته می‌شود که مطابق با دیدگاه او در مورد بعد فرهنگی توسعه، در این شرایط امید شکل می‌گیرد.

گفتنی است ظرفیت آرزومندی محصول تصور فرد از ظرفیت‌های فرهنگی است که آپادورای آن را منبعی برای طبقات فرودست جامعه به منظور تلاش برای تغییر شرایطشان می‌داند؛ بنابراین با توجه به دیدگاه او، ناامیدی و یأس زمانی شکل می‌گیرد که شرایط شناسایی برای اعضا امکان‌پذیر نباشد. در دیدگاه آپادورای در کنار ظرفیت‌های فرهنگی از ظرفیت‌های اجتماعی، سیاسی و... نیز نام برده شده است (آپادورای، ۲۰۰۴، به نقل از هلد، ۲۰۰۷: ۲۹-۳۴).

در این معنی امید جز در نتیجه باور به وجود ظرفیت‌های مطلوب پیشرفت در جامعه شکل نمی‌گیرد.

امید سیاسی: مطابق با تعاریف امید در روانشناسی، فلسفه و بسط آن به حوزه جامعه‌شناسی براساس دیدگاه آپادورای، می‌توان امید اجتماعی سپس به‌طور خاص امید سیاسی را مطرح کرد؛ یعنی امید اجتماعی انتظار مثبت افراد از آینده، در نتیجه باور به وجود ظرفیت‌های مطلوب پیشرفت در جامعه است که باور به نبود آن یأس و ناامیدی را به دنبال خواهد داشت. مطابق با تعریف امید اجتماعی براساس دیدگاه آپادورای، چنانچه تمرکز ظرفیت‌های آرزومندی در ارتباط با بخش سیاسی جامعه باشد، می‌توان به مفهومی با عنوان امید سیاسی رسید. در واقع، هر جامعه از بخش‌های مختلفی تشکیل شده است، مانند بخش سیاسی که تجلی آن در دستگاه سیاسی

حاکم بر جامعه است (نش^۱، ۱۳۹۴: ۱۵-۱۷). اجزای مختلف این بخش را نظام سیاسی، سیاست‌گذاری‌های نظام و مردمان جامعه نیز دانسته‌اند (آلموند و وربا^۲، ۱۹۶۳: ۱۳-۱۷)؛ از این رو براساس تعریف امید اجتماعی چنانچه تمرکز بر وجود ظرفیت‌های مطلوب پیشرفت در بخش سیاسی جامعه باشد، خوش‌بینی به آینده جنبه‌ای سیاسی می‌یابد. بر اساس این، امید از منظری سیاسی تعریف و به‌عنوان امید سیاسی ارائه می‌شود. در بیان ظرفیت‌های مطلوب این بخش براساس اجزای بیان‌شده آن عبارات زیر بیان می‌شود:

۱. حاکمیت مشروع: نظام سیاسی حاکم علاوه قانونمندی، هنجارمندی و ... که نوع و شیوه اعمال حاکمیت آن مورد تأیید و رضایت مردم باشد. به تعبیر وبر علاوه بر قدرت اقتدار هم داشته باشد (نش، ۱۳۹۴).
۲. توانمندسازی سیاسی: رسمیت‌یافتن کنشگری‌های مؤثر سیاسی و اجتماعی برای همه افراد جامعه به‌گونه‌ای برابر باشد.
۳. سیاست‌گذاری‌های مثبت: سیاست‌گذارهای داخلی و خارجی بر جریان پیشرفت و بهبود وضعیت ملت و کشور مؤثر باشد.
۴. حقوق شهروندی: برخورداری اعضای جامعه از حقوق مدنی و سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ... که تحقق آن در درجه اول بر عهده نظام سیاسی حاکم است (رستمی، ۱۳۹۲: ۱۴۵-۱۴۸).
۵. نهادها و سازمان‌های سیاسی کارا: این نهادها و سازمان‌ها وظیفه اداره امور در بخش‌های مختلف جامعه را بر عهده دارند و عملکرد مطلوب آن‌ها مهم‌ترین شاخص کارایی آن است؛ بنابراین تعریف امید سیاسی در این پژوهش عبارت است از بهتریابی آینده، در نتیجه باور به وجود ظرفیت‌های مطلوب پیشرفت در بخش سیاسی جامعه که ابعادی بدین شرح دارد: اعتقاد به مشروعیت حاکمیت، خوش‌بینی به سیاست‌گذاری‌ها، اعتقاد به مشروعیت حاکمیت، اعتقاد به کارایی نهادی سیاسی و باور به امکان مشارکت مؤثر سیاسی-اجتماعی، که در این صورت افراد امید سیاسی خواهند داشت.

1. Nash

2. Almond and Verba

بی تفاوتی: بی تفاوتی ترجمه‌ای از واژه انگلیسی *apathay* است که از ریشه *apathia* گرفته شده است. تعریف بی تفاوتی در رویکردهای مختلف با هم متفاوت است؛ در علوم سیاسی معادل بی میلی به مشارکت و درگیری فعال در فرایندهای سیاسی است و در نظام‌های دموکرات به صورت بی میلی به شرکت در انتخابات ظهور می‌یابد (دایره‌المعارف اندیشه دموکراتیک، ۲۰۰۱: ۱۰-۱۲). در روانشناسی بی تفاوتی را حالتی از نبود احساس درونی و عاطفه و تعلق‌نداشتن به درگیری هیجانی به محیط تعریف کرده‌اند که در انواع خاصی از اسکیزوفرنی و افسردگی مشاهده می‌شود (کاپلان^۱ و سادوک، ۱۳۷۵: ۲۹). در دیدگاهی اجتماعی گانز بی تفاوتی را مفهومی اخلاقی و در عین حال پدیده‌ای جامعه‌شناختی تعریف می‌کند که به کم‌علاقگی و نبود تعلق در حیات انسان‌ها اشاره دارد (گانز^۲، ۱۹۹۲: ۱۸۴-۱۸۵). مرتن بی تفاوتی را معادل کناره‌گیری فرد از جامعه می‌داند (مرتن^۳، ۱۹۶۸: ۱۴۳-۱۴۴). در این میان برخی بی تفاوتی را نداشتن آگاهی، انگیزه، تعهد مدنی، مسئولیت اجتماعی و عمل اجتماعی دانسته (نواح و همکاران، ۱۳۹۳) و آن را مشارکت‌نداشتن در حد انتظار تعریف کرده‌اند. آلموند و وربا نیز بی تفاوتی را بی میلی به مسائل جامعه و کناره‌گیری از مشارکت بیان کرده‌اند (آلموند و وربا، ۱۹۶۳: ۱۶-۲۲). با توجه به تکرر تعاریف ارائه شده پیرامون بی تفاوتی اجتماعی، در این پژوهش برایندی از این تعاریف، انتخاب و بیان می‌شود:

بی تفاوتی اجتماعی: بی تفاوتی اجتماعی رفتاری است فردگرایانه با ویژگی‌هایی همچون بی‌تعهدی مدنی، نبود مسئولیت‌پذیری اجتماعی، مشارکت‌نداشتن مدنی، بی‌اعتنایی به مسائل اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی.

دورکیم رفتارهایی چون نوع دوستی، مشارکت اجتماعی و تفاوت‌مندی به جامعه را با درجه پیوستگی افراد به جامعه خود و میزان توافق جمعی مرتبط می‌داند، همچنین رفتارهای نابهنجاری مانند خودکشی، قانون‌شکنی، بی تفاوتی و... را متأثر از میزان جدایی و بیگانگی آن‌ها از جامعه می‌داند (کوزر^۴، ۱۳۷۳، ارون^۵، ۱۳۸۶)؛ بنابراین، نداشتن تعهد مدنی، نبود

1. Kaplan and Saduk
2. Guns
3. Merton
4. Cozer
5. Aron

مسئولیت‌پذیری اجتماعی، نبود درگیری مدنی و بی‌اعتنایی به مسائل (اجتماعی، سیاسی و فرهنگی) که در تعریف مورد نظر این پژوهش از بی‌تفاوتی اجتماعی به‌عنوان ویژگی‌های آن بیان شده، جز در ظهور جریان فردگرایی نیست.

چارچوب نظری پژوهش

در این پژوهش به‌منظور بررسی جامعه‌شناختی رابطه بین امید سیاسی و بی‌تفاوتی اجتماعی، از نظریه انتخاب عقلانی استفاده شد، این نظریه که به‌تدریج در علوم اجتماعی حکم و اصلاح شد، ریشه در علوم اقتصادی، روانشناسی و انسان‌شناسی دارد (مقدس و اسلام، ۱۳۸۵: ۱۷۶). پیشگام واقعی این نظریه در علوم اجتماعی ماکس وبر^۱ است. او زمانی کنش را عقلانی می‌داند که به هدفی معطوف باشد (جوادی یگانه، ۱۳۸۷: ۳۷). گفتنی است این نظریه در جامعه‌شناسی معاصر ابتدا در متن نظریه مبادله ظهور یافت، با این حال در ابعاد مهمی متفاوت شد که امروزه نظریه‌ای مستقل و جذاب نزد بسیاری از جامعه‌شناسان و محققان است (مقدس و اسلام، ۱۳۸۵: ۱۷۷-۱۸۰). نخستین بار جذابیت نظریه انتخاب عقلانی را کلمن^۲ تشریح کرد (جوادی یگانه، ۱۳۸۷: ۳۵). او انسان را موجودی می‌داند که برای افزایش منافعش محاسبه عقلانی می‌کند (ایمان و غفاری‌نسب، ۱۳۹۲: ۱۱). در این بین، بودون^۳ با طرح پیش‌فرض‌هایی بیان می‌کند که کنشگران عقلانی هستند؛ یعنی می‌توانند سود و زیان خود را محاسبه کنند و کنشی را انجام دهند که به سود آنهاست (بودون، ۲۰۰۳). ترنر^۴ نیز معتقد است که انسان‌ها بر مبنای محاسبه عقلانی برای انجام کاری اقدام می‌کنند هرچند ممکن است که پیامدهای آن نتایج عقلانی نداشته باشد (ترنر، ۲۰۰۳: ۳۴۱).

زولنای^۵ از نظریه انتخاب عقلانی دو روایت را مطرح می‌کند: عقلانیت به معنای سازگاری سازگاری درونی هنجارها و عقلانیت به معنای به‌حداکثر رساندن نفع فردی (جوادی یگانه، ۱۳۷۸: ۳۶).

1. Max Weber
2. Coleman
3. Boudon
4. Turner
5. Zsolnai

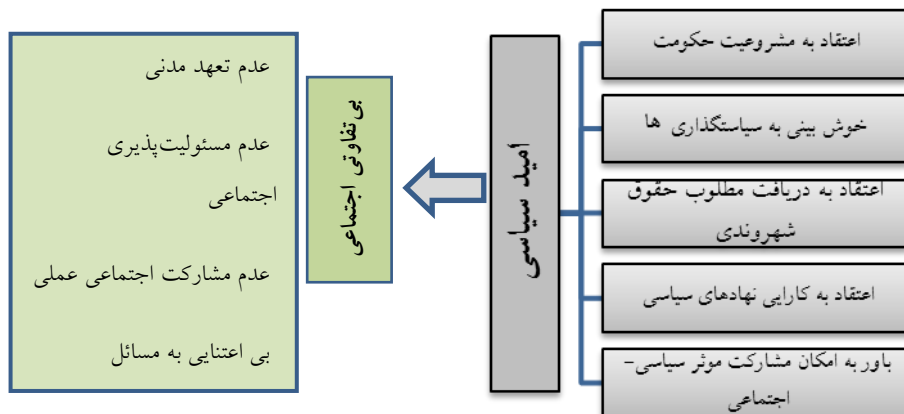
در نظریه انتخاب عقلانی، جامعه مجموعه‌ای از افراد است که کنش عقلانی دارند؛ افرادی آگاه، مختار، هدفمند که در هر شرایطی به دنبال افزایش سود خود هستند. به عبارت دیگر آنها کنشگرانی عقلانی‌اند و کنش‌های انتخابی آن‌ها به گونه‌ای است که بیشترین سود را تعقیب کند (همان: ۳۵).

نظریه انتخاب عقلانی بعد منفعت‌طلبانه آشکاری دارد: من آن چیزی را انتخاب می‌کنم که بیشترین رضایت خاطر را برایم دارد. در واقع، تبیینی که در انتخاب عقلانی صورت می‌گیرد، تبیینی قصدی است که در آن فرض می‌شود آرزوها و عقاید فرد دلایلی بر کنش او هستند، اما از این هم پیش‌تر می‌رود و گاهی این آرزوها و عقاید علت کنش او هستند (کرایب^۱، ۱۳۹۳: ۹۲). این دیدگاه بر آن است که با شناخت دقیق منافی که فرد نگران تعقیب آن است و نیز تلفیق منابع و محدودیت‌های که افراد با آن مواجهند، رفتار آن‌ها را پیش‌بینی کرد (ایمان و غفاری‌نسب، ۱۳۹۱).

بر اساس نظریه انتخاب عقلانی، آیا می‌توان بی‌تفاوتی اجتماعی را رفتاری دانست که به‌گونه‌ای عقلانی انتخاب شده است که در یک وجه مهم ناشی از گرایش‌های منفعت‌جویانه افراد باشد؛ یعنی چنانچه امید سیاسی را حاصل جهت‌گیری محاسبه‌گرانه درمورد امکان پیشرفت یا بهبود زندگی آینده بدانیم که با اتکا به منابع و ظرفیت‌های موجود بخش سیاسی جامعه شکل می‌گیرد بی‌تردید بیانگر بعد منفعت‌جویانه‌ای است که نظریه انتخاب عقلانی درمورد کنشگران عقلانی قائل به آن است؛ به عبارت دیگر انسان‌ها پیوسته خواهان رشد و پیشرفت در زمینه‌های مختلف و تحقق اهداف خویش هستند از این رو به عنوان کنشگرانی عقلانی برای رسیدن به اهداف خویش به محاسبه و ارزیابی امکانات موجود، همچنین تشخیص بهترین شیوه‌ها می‌پردازند؛ بنابراین می‌توان گفت در شکل‌گیری امید سیاسی گرایش‌های منفعت‌جویانه افراد بعد مهمی را شامل می‌شود؛ زیرا انتظار مثبت ایشان به آینده در نتیجه محاسبه سودمندان امکانات (حقوق شهروندی، نهادهای سیاسی کارا، حکومت مشروع و...) در یکی از مهم‌ترین بخش‌های جامعه (سیاسی) است؛ از این رو در وجهی مهم بی‌تفاوتی اجتماعی در رابطه با امید سیاسی رفتاری است که کنشگران اجتماعی آن را به‌گونه‌ای عقلانی انتخاب می‌کنند؛ یعنی مشارکت اجتماعی، تعهد مدنی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و

باید توجه داشت که مشارکت اجتماعی، التزام مدنی و... برای افرادی که در نتیجه یک

ارزیابی منفی در جامعه زیستی، شانس چندانی برای ترقی و بهبود آینده زندگی‌شان قائل نباشند توجه مفیدی ندارد؛ از این رو یأس سیاسی در انتخاب رفتار بی‌تفاوتی و اجتناب از مشارکت اجتماعی مؤثر است. از آنجا که یکی از مهم‌ترین بخش‌های هر جامعه، همچنین جامعه ایران ساختار و عرصه سیاسی آن است- تا آنجا که می‌توان گفت این بخش جزء تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت کشورها و افراد جوامع در زمینه توسعه پایدار به‌شمار می‌آید- افراد انسانی به‌عنوان کنشگرانی عقلانی که همواره به دنبال دریافت سود و دفع ضررهای احتمالی هستند، در صورت فقدان امید سیاسی یا سطح کمی از آن برای مشارکت اجتماعی و بستگی جمعی بی‌میل و ترجیح آن‌ها با بی‌تفاوتی اجتماعی روبه‌رو می‌شوند.



شکل ۱. مدل پژوهش

فرضیات پژوهش

۱. بین اعتقاد به دریافت مطلوب حقوق شهروندی و بی‌تفاوتی اجتماعی ارتباط وجود دارد.
۲. بین اعتقاد به کارایی نهادهای سیاسی و بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه وجود دارد.
۳. بین اعتقاد به مشروعیت حکومت و بی‌تفاوتی اجتماعی ارتباط وجود دارد.
۴. بین باور به امکان مشارکت مؤثر سیاسی-اجتماعی مؤثر و بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه وجود دارد.
۵. بین خوش‌بینی به سیاست‌گذاری‌های موجود و بی‌تفاوتی اجتماعی ارتباط است.

۶. بین امید سیاسی و بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه وجود دارد.

روش پژوهش

این پژوهش مبتنی بر رویکرد کمی است، فن مورد استفاده نیز پیمایش و ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه است. جامعه آماری پژوهش، ۱۷ هزار و ۶۱۴ نفر از دانشجویان مشغول به تحصیل دانشگاه شیراز در سال تحصیلی ۹۴-۹۵ هستند که با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای و براساس فرمول کوکران با ضریب خطای ۵ درصد از تعداد کل دانشجویان دانشگاه شیراز، در ابتدا ۳۷۷ نفر به‌عنوان نمونه تعیین شدند، اما به‌منظور افزایش اطمینان نمونه این تعداد به ۴۰۰ نفر رسید. در این مطالعه اعتبار محتوایی صورتی است و برای تعیین روایی شاخص‌ها از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. ضریب آلفای کرونباخ برای هر یک از ابعاد بی‌تفاوتی اجتماعی، آلفای کل بی‌تفاوتی اجتماعی، آلفای کل امید سیاسی و هرکدام از مؤلفه‌های امید سیاسی در جدول شماره ۱ شرح شده است.

جدول ۱. ضریب آلفای متغیرهای پژوهش

مقدار ضریب آلفا	گویه	سنجه
۰/۷۴۵	۸	اعتقاد به مشروعیت حاکمیت
۰/۸۰۲	۹	باور به امکان مشارکت مؤثر سیاسی-اجتماعی
*	۷	اعتقاد به دریافت مطلوبی از حقوق شهروندی
۰/۷۲۳	۸	خوش‌بینی به سیاست‌گذاری‌ها
*	۸	اعتقاد به کارایی نهادهای سیاسی
۰/۸۳۵	۴۵	امید سیاسی
۰/۷۰۲	۱۰	بی‌اعتنایی به مسائل اجتماعی، فرهنگی و... جامعه
۰/۷۳۵	۱۰	تعهدنداشتن مدنی
۰/۶۰۲	۱۰	نداشتن مسئولیت اجتماعی
۰/۷۲۳	۷	نبود مشارکت اجتماعی عملی
۰/۸۰۲	۳۷	بی‌تفاوتی اجتماعی

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای پژوهش

امید سیاسی: در این پژوهش امید سیاسی به معنای برآورد مثبت افراد از ظرفیت‌های مطلوب پیشرفت در بخش سیاسی جامعه است. براساس این تعریف سعی شد تا برای سنجش آن بر پنج مؤلفه اعتقاد به مشروعیت حکومت، اعتقاد به دریافت مطلوب حقوق شهروندی، اعتقاد به کارایی نهادهای سیاسی، خوش‌بینی به سیاست‌گذاری‌ها و باور به امکان مشارکت مؤثر سیاسی-اجتماعی آن تأکید شود. از مجموع این پنج مؤلفه ۴۵ گویه برای سنجش امید سیاسی استفاده شده است؛ از این رو نمرات به‌دست‌آمده بیانگر میزان امید سیاسی است. سطح سنجش تمامی متغیرهای این پژوهش به‌جز اعتقاد به دریافت مطلوب حقوق شهروندی، فاصله‌ای است که در نهایت برای تحقق متغیر کل امید سیاسی گویه‌ها استاندارد شده است.

اعتقاد به مشروعیت حاکمیت: عبارت است از تأیید نوع حکومت، رضایت از شیوه اعمال حاکمیت و تأیید صلاحیت نخبگان حاکم از سوی مردم. اعتقاد به مشروعیت حکومت از جمله موارد مندرج در تحقق امر مشروعیت حکومت است. در این تحقیق مشروعیت در بعد رویکرد ملت به نظام سیاسی مدنظر است؛ بنابراین گویه‌های مورد استفاده برای سنجش این مؤلفه به ارزیابی افراد از این سه مورد اختصاص یافته که هفت گویه است.

باور به مشارکت مؤثر سیاسی-اجتماعی: این مؤلفه بیانگر ارزیابی افراد به وجه توانمندساز ساختار سیاسی حاکم است؛ یعنی افراد در مسیر کنشگری‌های سیاسی و مدنی خویش، همچنین در صورت آمادگی و علاقه برای ایفای نقش نخبگی در این زمینه با موانع و محدودیت‌های غیرمعقول مواجه نمی‌شوند. تعداد گویه‌های در نظر گرفته شده برای این بعد ۹ است که به ارزیابی افراد از این مسئله می‌پردازد.

اعتقاد به کارایی نهادهای سیاسی: این مؤلفه بیانگر ارزیابی مثبت افراد از کارایی نهادهای رسمی مرتبط با بخش سیاسی جامعه است که هدف از ایجاد آنها اداره امور کشور و مردم است. از جمله نهادهای مورد نظر در این تحقیق عبارت است از ادارات دولتی، صداوسیما و مطبوعات، روزنامه و مجلات و... که در این باره ۸ گویه استفاده شده است.

خوش‌بینی به سیاست‌گذاری‌ها: یعنی ارزیابی مثبت افراد از سیاست‌گذاری‌های سیاسی و اجتماعی موجود. برای سنجش این بعد ارزیابی‌های افراد از مواردی چون توافق هسته‌ای،

خصوصی سازی و... با به کارگیری ۸ گویه مورد نظر استفاده می شود.
اعتقاد به دریافت مطلوب حقوق شهروندی: یعنی افراد درباره استفاده از حقوق شهروندی ارزیابی مثبتی داشته باشند. برای سنجش این مؤلفه از ۷ پرسش در مورد آزادی بیان، تحصیلات و... استفاده شده است.

بی تفاوتی اجتماعی: بی تفاوتی اجتماعی بیان کننده ضعف روحیه جمع گرایی و بی میلی افراد به جامعه و مشارکت مؤثر است. ویژگی های مورد نظر در این پژوهش برای بی تفاوتی اجتماعی، بی تعهدی مدنی، بی اعتنایی به مسائل اجتماعی و فرهنگی، جامعه، نبود مسئولیت پذیری اجتماعی و مشارکت نداشتن عملی است که در مجموع از ۳۷ گویه برای سنجش آن استفاده شده است تا جمع نمرات به دست آمده بیانگر میزان بی تفاوتی اجتماعی باشد.

یافته های پژوهش

یافته های توصیفی: با توجه به نتایج بیان شده در جدول های ۲، ۳ و ۴ درمی یابیم که وضعیت دانشجویان براساس امید سیاسی و مؤلفه های آن در یک سطح متوسط اما نامطلوب است، همچنین این نتایج وضعیت پاسخگویان را براساس بی تفاوتی اجتماعی در سطحی متوسط روبه بالا نشان می دهد.

جدول ۲. توصیف پاسخگویان بر مبنای شاخص های آماری (میانگین، انحراف معیار و...)

متغیر	میانگین	انحراف معیار	مینیمم	ماکسیمم
اعتقاد به دریافت مطلوب حقوق شهروندی	-۰/۰۰۶	۳/۵۸	-۹/۰۸	۶/۴۱
باور به امکان مشارکت مؤثر سیاسی-اجتماعی	۰/۰۰۰	۳/۹۷	-۱۱/۱۰	۱۲/۰۳
خوش بینی به سیاست گذاری ها	-۰/۰۰۳	۳/۶۶	-۱۲/۹۰	۹/۲۰
اعتقاد به کارایی نهادهای سیاسی	۰/۰۱۷	۸/۲۸	-۱۷/۴۲	۲۵/۸۲
اعتقاد به مشروعیت حکومت	-۰/۰۱۳	۳/۷۵	-۱۰/۷۷	۱۲/۷۵
امید سیاسی	-۰/۰۲۶	۱۶/۶۰	-۳۸/۴۷	۵۰/۲۳
بی تفاوتی اجتماعی	۱۱۳/۱۸	۶/۱۲	۹۲/۰۰	۱۳۳/۰۰

جدول ۳. توصیف وضعیت امید سیاسی دانشجویان

امید سیاسی	به درصد
بالا	۰/۱۸/۸
متوسط	۰/۵۰
پایین	۰/۳۰/۸

جدول ۴. توصیف وضعیت بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان

بی‌تفاوتی اجتماعی	به درصد
بالا	۰/۲۷
متوسط روبه‌بالا	۰/۴۰/۵
متوسط روبه‌پایین	۰/۱۹/۲
پایین	۱۳

یافته‌های استنباطی: با توجه به جدول ۵ درمورد یافته‌های استنباطی این تحقیق و مقدار ضریب همبستگی پیرسون $0/218-$ ، برای رابطه اعتقاد به دریافت مطلوب با بی‌تفاوتی اجتماعی، مقدار ضریب $0/321-$ ، برای رابطه بین اعتقاد به مشروعیت حکومت با بی‌تفاوتی اجتماعی ضریب $0/243-$ ، برای رابطه بین باور به امکان مشارکت سیاسی-اجتماعی مؤثر با بی‌تفاوتی اجتماعی مقدار ضریب $0/209-$ و برای رابطه بین خوش‌بینی به سیاست‌گذاری‌ها و بی‌تفاوتی اجتماعی، وجود یک رابطه معکوس میان این مؤلفه‌های امید سیاسی با بی‌تفاوتی اجتماعی تأیید شده است که بر اساس آن در آزمون رابطه امید سیاسی با بی‌تفاوتی اجتماعی نیز رابطه‌ای معکوس نشان داده می‌شود. در این میان رابطه بین اعتقاد به کارایی نهادهای سیاسی با بی‌تفاوتی اجتماعی تأیید نشده است.

تحلیل چندمتغیره

مطابق جدول ۶، از بین متغیرهای مستقلی که وارد مدل رگرسیون شده‌اند، اعتقاد به دریافت مطلوب حقوق شهروندی، خوش‌بینی به سیاست‌گذاری‌ها و اعتقاد به مشروعیت حکومت در مجموع ۱۵ درصد از تغییرات بی‌تفاوتی اجتماعی را تبیین می‌کند. در این بین، نخستین متغیری که وارد مدل شده، اعتقاد به مشروعیت حکومت است؛ یعنی به ازای هر واحد افزایش

میزان رضایت افراد از حکومت (مشروعیت حکومت)، $0/273-$ درصد از بی تفاوتی اجتماعی کاهش می‌یابد، پس از آن براساس دومین متغیری که وارد مدل شده است؛ به ازای هر واحد ارزیابی مثبت از دریافت حقوق شهروندی، $0/166-$ درصد بی تفاوتی به سطح پایین‌تری می‌رسد. همچنین این مدل بیانگر آن است که با هر واحد افزایش خوش‌بینی به سیاست‌گذاری‌های موجود، $0/140-$ بی تفاوتی اجتماعی کاهش می‌یابد.

جدول ۵. خلاصه نتایج آزمون پیرسون رابطه بین امید سیاسی و بی تفاوتی اجتماعی

متغیر	میزان آماره	سطح معناداری	وضعیت فرضیه
اعتقاد به دریافت مطلوب حقوق شهروندی	$-0/218$	$0/000$	تأیید
اعتقاد به مشروعیت حکومت	$-0/321$	$0/000$	تأیید
اعتقاد به کارایی نهادهای سیاسی	$-0/138$	$0/008$	رد
باور به امکان مشارکت مؤثر سیاسی-اجتماعی	$-0/243$	$0/000$	تأیید
خوش‌بینی به سیاست‌گذاری‌ها	$-0/209$	$0/000$	تأیید
امید سیاسی	$-0/266$	$0/000$	تأیید

جدول ۶. تحلیل چندمتغیره

آزمون T		ضرایب رگرسیونی		
Sig	T	Beta	B	
$0/000$	$-5/001$	$-0/269$	$-0/273$	اعتقاد به مشروعیت حکومت
$0/004$	$-2/912$	$-0/148$	$-0/166$	اعتقاد به دریافت مطلوب حقوق شهروندی
$0/010$	$-2/586$	$-0/137$	$-0/140$	خوش‌بینی به سیاست‌گذاری‌ها
R مجذور R تعدیل شده				خلاصه مدل
$0/149$		$0/159$		

بحث و نتیجه‌گیری

در هر جامعه‌ای، مشارکت اجتماعی افراد در گرو تعلق خاطر و عاطفه آنها به جامعه خود است، در غیر این صورت بی تفاوتی وجه غالب رفتارهای اجتماعی آنان خواهد بود که در

بسیاری زمینه‌ها تهدیدی جدی برای سلامت و بقای جامعه به‌شمار می‌آید. فردی که با جامعه به‌طور عام، و نظام اجتماعی-سیاسی به‌طور خاص، احساس خصومت می‌کند احتمال دارد از مشارکت کناره‌گیری کند و به صف افراد کاملاً بی‌تفاوت بپیوندد (راش، ۱۳۸۱: ۱۲۹)؛ از این‌رو بررسی بی‌تفاوتی اجتماعی و جست‌وجوی عوامل مرتبط با آن، هدف این پژوهش است. امید سیاسی به‌عنوان عاملی مهم در این باره مدنظر قرار گرفته و نظریه انتخاب عقلانی به‌عنوان چهارچوب نظری پژوهش انتخاب شده است.

یافته‌های توصیفی پژوهش نشان می‌دهد که بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان در حد متوسط روبه‌بالا، و امید سیاسی در سطح متوسطی است. باید توجه داشت که طرح امید سیاسی و بررسی جامعه‌شناختی ارتباط آن با بی‌تفاوتی اجتماعی، نخستین بار در این پژوهش صورت گرفته است، با این حال نتیجه این پژوهش در مورد سطح متوسط روبه‌بالا از بی‌تفاوتی اجتماعی همسو با نتیجه تحقیق نواح و همکاران (۱۳۹۳) همچنین صدقاتی فرد (۱۳۹۲) بیان می‌شود. سیر تمایل رفتاری و نگرشی افراد به بی‌تفاوتی اجتماعی بیانگر وضعیتی است که به دغدغه‌مندی بیشتر محققان و مسئولان فرهنگی و سیاسی کشور در این باره نیازمند است. تفاوت مهم این پژوهش با بررسی‌های پیشین درباره بی‌تفاوتی اجتماعی در بررسی و انتخاب امید سیاسی به‌عنوان عاملی مرتبط است؛ یعنی امید سیاسی بیانگر رویکرد آینده‌نگرانه و گرایش‌های ترقی‌خواهانه اعضای جامعه است که تاکنون از دیدگاه جامعه‌شناختی بدان پرداخته نشده یا کمتر مدنظر بوده است، همچنین این پژوهش در تفاوت با پژوهش‌های پیشین با در نظر گرفتن یک متغیر سیاسی-اجتماعی سعی دارد بی‌تفاوتی اجتماعی را بررسی کند.

همچنین نتایج پژوهش بیانگر این بود که میزان امید سیاسی دانشجویان در حد متوسط قرار داشته است که با توجه به مختصات امید و شرایط شکل‌گیری و کاهش آن، وضعیتی نامطلوب دارد؛ زیرا امید سیاسی با توجه به اینکه از منظر جامعه‌شناختی حد اتصال میان نگرش ذهنی و جهت‌گیری افراد به جامعه و حوزه سیاسی است، وجود سطحی متوسطی از آن نگران‌کننده به‌نظر می‌رسد؛ بنابراین، شایسته است که مسئولان سیاسی کشور در این باره اهتمام بیشتری داشته باشند؛ زیرا نبود سطح مطلوبی از امید سیاسی، به بدبینی افراد به نظام سیاسی-اجتماعی و انزوای اجتماعی اعضای جامعه شده و بی‌تفاوتی اجتماعی در سطحی گسترده گزینه

ترجیحی آنان می‌شود که در این باره نتایج پژوهش حاضر با تأیید رابطه‌ای معکوس میان امید سیاسی و بی‌تفاوتی اجتماعی آن را تأیید می‌کند، همچنین نتایج بیانگر آن است که میان مؤلفه‌های امید سیاسی با بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد.

بی‌تردید تصور داشتن حقوق شهروندی، حتی در سطح متوسطی از آن، بر رابطه فرد با جامعه خویش تأثیرگذار است تا آنجا که در این باره همچنان که ساختار سیاسی به‌عنوان بخش مهمی از این جامعه پاسخگوی برخی حقوق اعضایش است، افراد نیز در رویکردی عقلانی و منفعت‌طلبانه در زندگی روزمره، جامعه و شرایط آن را به‌عنوان بخشی مهم در نظر بگیرند. در این بین، مقصود بستگی عاطفی به کشور یا به تعبیری وفاداری آن‌ها به مصالح ملی است؛ به عبارت دیگر افراد در قبال مصالح، منافع ملی و جامعه زیستی احساس مسئولیت می‌کنند؛ بنابراین تأیید یک رابطه معکوس میان چگونگی اعتقاد به دریافت مطلوبی از حقوق شهروندی با بی‌تفاوتی اجتماعی دور از انتظار نیست.

رابطه تأییدشده میان خوش‌بینی به سیاست‌گذاری‌ها و بی‌تفاوتی اجتماعی نشان می‌دهد که ارزیابی مثبت افراد از سیاست‌گذاری‌های اجتماعی - سیاسی جاری، عاملی مؤثر در کاهش بی‌میلی افراد به جامعه است. نتیجه‌بخش دانستن سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های موجود یا در حال اجرا به‌طور معمول از یأس سیاسی و اجتماعی آن‌ها خواهد کاست؛ زیرا بیانگر ارزیابی مثبت افراد از شرایط موجود و امکان ترقی و تحقق اهداف مورد نظرشان است که نوع رابطه تأییدشده آن را بیان می‌کند.

تأیید رابطه‌ای منفی میان اعتقاد به مشروعیت حکومت و بی‌تفاوتی اجتماعی نشان می‌دهد در جامعه‌ای که اعضای آن از ساختار حکومت ناراضی هستند و شیوه اعمال حاکمیت را قانونمدارانه و صحیح، همچنین نخبگان آن را دارای صلاحیت نمی‌دانند، هرگونه مشارکت سیاسی و اجتماعی را بی‌نتیجه و خالی از هرگونه فایده و اثری نتیجه‌بخش تلقی می‌کنند؛ بنابراین بی‌تفاوتی اجتماعی یکی از نتایج این ارزیابی است؛ یعنی این مسئله در درازمدت، بی‌اعتنایی به مسائل مهم سیاسی - اجتماعی را به‌دنبال خواهد داشت. از آنجا که تاریخ سیاسی - اجتماعی در کشور ما همواره ساختار سیاسی را از جهت تأثیر در یک ترتیب سلسله‌مراتبی

نشان می‌دهد، اعتقادداشتن به مشروعیت نظام سیاسی حاکم، تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر بی‌تفاوتی اجتماعی اعضای جامعه ایرانی دارد.

ارزیابی منفی شهروندان و به‌طور کلی اعضای هر جامعه از امکان کنشگری‌های سیاسی (به‌صورت عام و خاص)، از جمله وجوه بیگانگی سیاسی است (لوین^۱، ۱۹۶۸) شکی نیست که این مسئله از جمله عوامل مهم انزوای اجتماعی شهروندان و تمایل نداشتن آن‌ها به مشارکت اجتماعی است؛ زیرا در اهداف مورد نظر، خود را قادر به ایجاد تأثیر یا تغییر مورد نظر نمی‌یابند؛ بنابراین می‌توان تأیید رابطه مذکور را صحت این مدعا به‌شمار آورد.

تأییدنکردن رابطه میان اعتقاد به کارایی نهادهای سیاسی با بی‌تفاوتی اجتماعی، تا حد زیادی ناشی از این است که افراد تصور روشنی از اهداف و وظایف نهادهای مختلف سیاسی مانند مجلس، دادگستری، ادارات مختلف دولتی، احزاب سیاسی و... ندارند. ارزیابی کارایی نهادهای مختلف پیش از هر چیز به آشنایی با اهداف، وظایف و نقش آن در خدمت‌رسانی به مردم و جامعه نیازمند و بدیهی است در صورت آگاهی ناکافی، فرد نمی‌تواند ارزیابی مشخصی درباره نقش و تأثیر آن در موقعیت کشور و آینده خود داشته باشد، مگر در صورت تجربه‌های فردی و گرایش‌های ذهنی به مسائل خاص سیاسی و اجتماعی.

افزون بر آنچه بیان شد، از میان مؤلفه‌های امید سیاسی اعتقاد به دریافت مطلوب از حقوق شهروندی، خوش‌بینی به سیاست‌گذاری‌ها و اعتقاد به مشروعیت حاکمیت در مجموع ۱۵ درصد از تغییرات بی‌تفاوتی اجتماعی را تبیین کرده است. بدیهی است امید به آینده لازمه زندگی مفید و مؤثر و رضایت فردی است، همچنین روحیه اقشار یک جامعه، به‌ویژه اقشار مؤثر و سازنده آن لازمه پویایی و اعتلای آن جامعه است (افشانی، ۱۳۹۵: ۱۰۹) که در این میان جوانان دانشجویان از جمله این اقشار هستند؛ زیرا نقش‌آفرینان عرصه فرهنگ، علم و عرصه‌های سیاسی-اجتماعی به‌شمار می‌آیند. امید سیاسی که خود به معنی امیدواری به آینده پیشرفت جامعه است، سرمایه‌ای اجتماعی یا به عبارت دیگر یک ظرفیت فرهنگی برای توسعه پایدار به‌شمار می‌آید؛ زیرا بر روح مشارکت و نشاط اجتماعی تعلق اجتماعی مؤثر است، در صورتی که نبود آن به بدبینی افراد نسبت به نظام اجتماعی-سیاسی منجر می‌شود؛ زیرا خوش‌بینی به امکان تحقق آینده‌ای بهتر برای آن‌ها متصور نیست و این

مسئله میان فرد و نظام اجتماعی - سیاسی شکاف ایجاد می‌کند، یافته‌های این پژوهش نیز تأییدی بر این مدعاست؛ بنابراین به‌منظور مواجهه با مسئله بی‌تفاوتی که جامعه را با خطر فردگرایی روزافزون مواجه می‌کند، اهتمام به مسئله امید سیاسی و ایجاد سطح مناسبی از آن، پیشنهاد نگارندگان به مسئولان سیاسی در درجه نخست و متصدیان فرهنگی کشور است.

منابع

- آرون، ریمون (۱۳۸۶)، *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۹۴)، *جامعه‌شناسی توسعه*، تهران: نشر کیهان.
- ایمان، محمدتقی و غفاری‌نسب، اسفندیار (۱۳۹۱)، «بررسی فردگرایی روش‌شناختی و چالش‌های آن در علوم اجتماعی»، *مجله جامعه‌شناسی کاربردی*، شماره ۱: ۱-۱۸.
- افشانی، سید علی‌رضا و جعفری، زینب (۱۳۹۵)، «رابطه بین سرمایه اجتماعی و امید به آینده در بین دانشجویان دانشگاه یزد»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۷: ۹۲-۱۱۵.
- سیدمن، استیو (۱۳۸۶)، *کشاکش آرا در جامعه‌شناسی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- شریعتی، سارا (۱۳۸۳)، «سیری در زندگی و آرای آنری دروش؛ عابر مرزها، جامعه‌شناسی تخیل، امید، انتظار، طناب»، *مجله ناقد*، شماره ۴: ۱۶۵-۱۹۸.
- جوادی یگانه، محمدرضا (۱۳۸۷)، «رویکرد جامعه‌شناسانه به نظریه انتخاب عقلانی»، *راهبرد فرهنگ*، شماره ۳: ۳۴-۶۴.
- راش، مایکل (۱۳۸۱)، *جامعه و سیاست: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: انتشارات سمت.
- رستمی، ثریا (۱۳۹۲)، «حقوق شهروندی و آزادی‌های مشروع»، *پژوهشنامه فقه اسلامی و مبانی حقوق*، شماره ۱: ۱۴۱-۱۶۲.

- روحانی، علی و انبارلو، مسعود (۱۳۹۵)، «برساخت عواطف منفی از جرائم منتسب به افغانستانی‌های مقیم شهر شیراز»، به سوی یک نظریه زمینه‌ای، فصلنامه تحقیقات اجتماعی ایران، شماره ۲۰: ۶۲۰-۶۳۰.
- زتومکا، پیتر (۱۳۸۴)، اعتماد یک نظریه جامعه‌شناختی، ترجمه فاطمه گلابی، تهران: نشر ستوده.
- عنبری، موسی (۱۳۹۳)، جامعه‌شناسی توسعه: از اقتصاد تا فرهنگ، تهران: انتشارات سمت.
- معیدفر، سعید و صبوری خسروشاهی، حبیب (۱۳۸۶)، «بررسی میزان فردگرایی فرزندان در خانواده»، پژوهشنامه علوم اجتماعی، شماره ۴: ۹۳-۱۱.
- محسنی تبریزی، علی‌رضا و صدیقی فرد، مجتبی (۱۳۹۰)، «پژوهشی درباره بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران»، جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۴۳: ۲۲-۱.
- مقدس، علی‌اصغر و اسلام، علی‌رضا (۱۳۸۵)، «کاوشی در نظریه انتخاب عقلانی با تأکید بر آرای مایکل هکتر»، مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۱: ۱۷۵-۲۱۱.
- کاپلان، هارولد و سادوک، بنیامین (۱۳۷۵)، واژه‌نامه جامع روان‌پزشکی و روان‌شناسی، گروه مترجمان، تهران: انتشارات علمی.
- کرایب، یان (۱۳۹۳)، نظریه اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس، ترجمه عباس مخیر، تهران: نشر آگاه.
- کوزر، لوییس (۱۳۷۳)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی.
- نش، کیت (۱۳۹۴)، جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: کویر.
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۱)، تأثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- نواح، عبدالرضا، نبوی، عبدالحسین و امیر شیرزاد، نرگس (۱۲۹۳)، «بررسی عوامل مؤثر بر بی‌تفاوتی اجتماعی (مورد مطالعه: شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر دزفول)»، مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۳: ۱۳۲-۱۶۱.

- وثوقی، منصور و ساری، محسن (۱۳۹۲)، «گونه‌های مختلف بیگانگی اجتماعی جوانان (پژوهشی در شهر تهران)»، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، شماره ۳: ۸۹-۱۰۶.
- Al. Mizjaji., A. (2001), “ Public Apathy Towards Bureaucracy As A Constraint On The Development Of Saudi Arabia”, **Public Administration Quarterly**, No. 3: 270-289.
- Almond, G. and Verba, S. (1963), **The Civic Culture**, New York: Sage Publications.
- Barry, P. and Foweraker, J. (2001), **Encyclopedia Of Democratic Thought**, London; New York: Routledge.
- Boudon, Raymond (2003), “Beyond Rational choice theory”, **annu Social**, No.1: 1-21.
- Chen, J. and Zhong, Y (1999), “Mass Political Interest (Or Apathy) In UrbanChina”, **a Communist And Post C-Ommunist Studies**, No.3: 281-303.
- Ganse, H (1956), “Political Participation And Apathy ”, **Phylon**, No.3:185-191.
- Held, D. and Henrietta, L. (2007), “ The Capacity to Aspire: Culture and the Terms of Recognition”, **Cultiuaral Politics in a global age**, Landan, Oneworld: 448.
- Josephson, E. and Macclosky, H. (1968), “Political Alienation in manalone”, **Alienation in Modern Society**, New York: free press.
- m.a. hubble And b.duncan, s. miller (1999), “Hope as a Psycho-Therapeeutic foundation of nonspecific factors, placebos, an expectancies”, **Heart and Soul of Change**, Washington: American Psychological Association, 455..
- Merton, R.K (1968), **Social Theory and Social Structure**, New York: Free press.
- Rao, Vijayendra and Michael Walton (2004), “*The Capacity to Aspire: Culture and the Terms of Recognition* ”, **Culture and PublicAction**, https://books.google.co.uk/books?id=4kGJ86s8MB4C&dq=Culture+and+Public+Action&printsec=frontcover&source=bn&hl=en&ei=PgiASobnLs6NjAeimq3xAQ&sa=X&oi=book_result&ct=result#v=onepage&q&f=false.
- Rorty, Richard (1999). **Philosophy and social Hope**, United States: Penguin Group.
- Snyder, C.R. (2000). **Handbook of hope: Theory, Measure & Application**, New York: Academic press.
- Snyder, C.R., Ritschel, L.A., Ravid., L.K. And Berg, C.J. (2006). “Balancing Psychological Assessments: Including strengths and Hope in client Reports”, **Journal of clinical Psychology**, No.1: 33-44.
- Turner, Jonathan H. (2003). **The Structure of Sociological Theory**, United States: Wadsworth Publishing.